

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۱۳ دسمبر ۲۰۲۱

۲۱ آذر روز «نجات» آذربایجان یا روز قتل عام مردم آذربایجان؟!

«ما همیشه گفته‌ایم و اکنون نیز صریحا می‌گوییم: ما به‌طور جدی به ایران و تمامیت ارضی آن علاقه‌مندیم. اگر از طرفی خدش‌های به آن وارد شود شاید جدی‌تر و فداکارانه‌تر از ساکنان ایالت‌های دیگر ایران - برای جلوگیری از آن(خدشه) اقدام خواهیم کرد. با این حال هرگز حاضر نیستیم از دفاع از ملت، زبان و آداب و رسوم و خصوصیت‌مان به شرط آن‌که کشورمان یعنی ایران را خدشه‌دار نکند صرف‌نظر کنیم. این‌جا چیزی که مغایر با قانون و حق حاکمیت خلق‌های ایران باشد وجود ندارد. برعکس اگر ما خود را با دست خودمان اداره کنیم، چه بسا این امر بتواند به تکامل و تعالی ایران رشد بیشتری دهد. نهضت ملی ما دیگر از چارچوب ملی خارج شده و مقام پیشاهنگی جنبش دموکراتیک ایران را احراز کرده است. اکنون دیگر عموم مردم ایران شروع به درک این موضوع و معنای حقیقی آن کرده‌اند. گفت‌وگوهای آغاز شده در تهران موجب روشن شدن ابهامات و سوءتفاهماتی گشته که دشمنان ما به طرق و بهانه‌های گوناگون ایجاد کرده‌اند. این گفت‌وگوها حسن تفاهمی اساسی میان خلق آذربایجان و ایرانیان بیرون از آذربایجان به وجود آورده است. این حسن تفاهمات علی‌رغم تلاش‌های مذبوحانه مرتجعین داخلی و خارجی، روزبه‌روز عمق می‌یابد و نتایج مثبتی می‌دهد.» (جعفر پیشه‌وری)



سید جعفر جوادزاده مشهور به سید جعفر پیشه‌وری

با این فاکت از جعفر پیشه‌وری رهبر حزب دموکرات آذربایجان و از چهره‌های قدیمی زندانی سیاسی کمونیست در سیامچال‌های رضاخان میرپنج، به تحولات سیاسی و اجتماعی دهه ۲۰ و ۳۰ ایران و به قدرت رسیدن فرقه دموکرات در آذربایجان و حزب دموکرات در کردستان ادامه می‌دهیم.

جمهوری آذربایجان در دوران خود به معنای واقعی یک جنبش دموکراتیک و مردمی بود که توسط حکومت محمدرضا شاه پهلوی به خاک و خون کشیده شد. اگر جمهوری خودگردان آذربایجان و کردستان تا به امروز ادامه پیدا می‌کرد شاید هرگز جمهوری اسلامی در جامعه ما ظهور نمی‌کرد.

در درون حزب دموکرات آذربایجان دو خط مشی مختلف، کمونیستی و ناسیونالیستی وجود داشت: اول نظر پیشموری بود که خواهان «آذربایجان خودگردان در درون ایران بود.» دومی تمایل داشت آذربایجان از ایران جدا شود.

در دوم آذر ۱۳۲۴ کنگره خلق آذربایجان که به مجلس موسسان تغییر نام یافت با افزودن مواد جدیدی به بیانیه خود نظیر حق رای برای مردان و زنان و انتخاب ۳۹ نفر به نام هیات ملی با اختیارات وسیع (که نمایندگان کردستان نیز جزو آن‌ها بود) مراتب را به اطلاع محمدرضا پهلوی، مجلس شورای ملی، مقامات صلاحیت‌دار کشوری و شورای نمایندگان سیاسی آمریکا، انگلیس، شوروی و فرانسه رساندند.

در ۲۱ آذر ۲۴ مجلس ملی آذربایجان افتتاح گردید و در جلسه قبل از ظهر خود پیشه‌وری را مامور تشکیل کابینه نمود که وی کابینه خود را بعد از ظهر همان روز به مجلس معرفی کرد.

۲۲ آذر نمایندگان حکومت ملی با فرمانده لشکر آذربایجان وارد مذاکره شدند و پس از توافق کلیه پادگان‌های تبریز اسلحه را به زمین گذاشته و پذیرفتند که طبق دستور عمل نمایند. سرتیپ درخشانی هم گفت: «... من از بعضی از روزنامه‌های چپ متشکرم که حتی آن روزها هم که من مقاومت می‌کردم به من بد نگفتند.»

روز دوشنبه ۱۲ شهریور ۱۳۲۴، فرقه دموکرات آذربایجان با انتشار بیانیه‌ای (مراجعت نامه) که به دو زبان آذربایجانی و فارسی نوشته شده و حاوی یک مقدمه و ۱۲ ماده بود رسماً تشکیل خود را اعلام نمود.

اهداف مندرج در این بیانیه عبارت بودند از:

«تقاضای آزادی داخلی و مختاریت مدنی برای مردم آذربایجان، البته با حفظ استقلال و تمامیت ایران، تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی، تدریس زبان آذربایجانی در مدارس آذربایجان، مصرف نیمی از مالیات‌های وصولی از آذربایجان در خود آذربایجان، افزایش کرسی‌های نمایندگان آذربایجان در مجلس به نسبت جمعیت آن، اصلاح روابط و حدود بین مالک و دهقان با در نظر گرفتن مصالح هر دو، مبارزه با بیکاری، تلاش در جهت توسعه و ایجاد صنایع، تجارت و کشاورزی، مبارزه با رشوه و فساد در ادارات و...»

همان‌گونه که از مفاد این بیانیه برمی‌آید، اولاً بیانیه مذکور به دور از هر گونه درخواست تندروانه و تهدیدآمیز بود. دوماً اکثر مفاد آن مطابق با قانون اساسی بوده است و مهم‌تر از همه این‌که استقلال و تمامیت ارضی را محترم شمرده و به هیچ وجه خواستار جدایی و استقلال آذربایجان نمی‌باشد و فقط درخواست خودمختاری مدنی و آزادی در امور داخلی را مطرح نموده است.

پس از انتشار این بیانیه روزنامه آذربایجان به‌عنوان ارگان حزب دموکرات آذربایجان بار دیگر به مدیر مسئولی شبستری و برای دومین دوره منتشر گردید. در ۲۲ شهریور شورای مرکزی فرقه به ۱۱ نفر افزایش یافت که پیشموری به ریاست، و شبستری به معاونت انتخاب شدند. محمد بی‌ریا نیز که در راس اتحادیه‌های کارگری بود، اعلام کرد که آنان نیز رهبری فرقه را می‌پذیرند و صادق پادگان و زین‌العابدین قیامی هم از سوی حزب توده، تصمیم الحاق به فرقه را اعلام کردند.

زمان برگزاری نخستین کنگره حزب دموکرات نیز روز ۱۳۲۴/۰۷/۱۰ تعیین گردید. در ۱۳۲۴/۶/۲۹، در کنفرانسی با حضور ۱۵۰۰ نفر از اقشار مردم قطع‌نامه‌ای جهت مخابره به انجمن وزرای خارجه دول متفق در لندن به تصویب

رسید و در آن به حق تعیین سرنوشت، خودمختاری آذربایجان و احیای دموکراسی در ایران اشاره شده بود... در این کنگره مرامنامه فرقه به تصویب رسید و سازمان فرقه رسمیت یافت و کمیته مرکزی آن را انتخاب نمود.

مرامنامه همان بیانیه ۱۲ شهریور بود که موارد زیر به آن اضافه شد:

- آزادی فردی، کلامی، وجدان، مطبوعات و اجتماعات.

- حق انتخاب کردن برای مردان و زنانی که به ۲۰ سالگی رسیده اند و حق انتخاب شدن برای مردها و زنان بین ۸۰-

۲۷ ساله

- تعیین ۸ ساعت کار روزانه برای کارگران و استفاده از مزایای بیمه

- اعطای حق مجازات خائنین و افشا کنندگان اسرار فرقه و جاسوسان تا حد حتی اعدام (افزودن این اصل در حد و

اختیارات حزبی نبوده و به عبارتی شاید بتوان گفت که فرقه اطمینان داشت که بهزودی حکومت را بدست می‌گیرد).

بدین ترتیب فرقه نه به‌عنوان حزب بلکه به‌عنوان یک جبهه دموکراتیک از تمام مردم شکل گرفت ... در آن زمان پیشه‌وری بزرگترین وظیفه فرقه را مبارزه برای احیای انجمن‌های ایالتی و ولایتی و اخذ امتیازات داخلی و فرهنگی عنوان کرد.

بی‌تردید بدون شناخت وقایع آن روز ایران، بررسی جریان آذربایجان و کردستان ناقص خواهد بود. مجلس حزب دموکرات (فرقه دموکرات) در ۲۱ آذر ۱۳۲۴ گشایش یافت و حاج‌میرزا علی شبستری را به‌ریاست مجلس و جعفر پیشه‌وری را به‌عنوان نخست‌وزیر برگزید. اعضای کابینه پیشه‌وری عبارت بودند از: سلام‌الله جاوید، جعفر کاویان، مهتاش، محمد بی‌ریا، حسن اورنگی، غلامرضا الهامی، یوسف عظیم، کبیری و رضا رسولی.

هنگامی که فرقه دموکرات تشکیل شد محسن صدر نخست‌وزیر بود. در ۲۱ آذر ۱۳۲۴ هم که فرقه اعلام حکومت خودگردان کرد و در کردستان هم وضعیت مشابهی توسط قاضی محمد شکل گرفت ابراهیم حکیمی مقام نخست‌وزیری داشت.

فرقه دموکرات در اولین بیانیه خود، که بلافاصله پس از اعلام موجودیت رسمی منتشر شد، تقاضای «آزادی داخلی و مختاریت مدنی» برای مردم آذربایجان، البته با حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران و تحت لوای دولت ایران، تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی که در قانون اساسی صراحتاً بدان اشاره شده بود، تدریس زبان آذربایجانی در مدارس آذربایجان و برخی اصلاحات دیگر را به‌عنوان اهداف و خواسته‌های فرقه اعلام کرده بودند. در این مرحله خواست آن‌ها کسب آزادی و برقراری آزادی و برابری و دموکراسی در آذربایجان و سپس در سراسر ایران بود و به هیچ‌وجه صحبت از جدایی و استقلال و تشکیل حکومت جدید به میان نمی‌آید.

پس از تشکیل فرقه دموکرات پیشه‌وری در یک سخنرانی در حالی که با انگشت خود نقشه ایران را در هوا رسم می‌کرد گفت: «من آشکارا می‌گویم که تمام حرف‌ها و خواسته‌های ما خارج از این نقشه نیست و در داخل سرحدات ایران است...»

همچنین وی در جای دیگر تاکید کرد: «من به استقلال ایران کاملاً علاقه‌مندم و فکر دادن یک وجب از خاک آن به کشور دیگری ابداً در میان نیست. ما حقوق داخلی و مختاریت مدنی را که قانون اساسی به ما داده است خواهانیم مسئله زبان نیز جزئی از آن است...»

در چنین روندی روز ۲۹ / ۷ / ۱۳۲۴ «کنگره خلق آذربایجان» در اقدامی نمادین به وسیله حاج عظیم‌خان برادر ستارخان افتتاح شد. روز افتتاح کنگره روزنامه آذربایجان باز هم به‌عنوان ارگان فرقه دموکرات از تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی دفاع کرد و نوشت: «مردم آذربایجان قانون اساسی را زنده خواهند کرد و انجمن‌های ایالتی و ولایتی و

خود مختاری را تشکیل خواهند داد و در عمل بر خلاف اکاذیب دشمنان نشان خواهند داد که طرفدار جدی استقلال ایران هستند و هیچ وقت تجزیه آذربایجان را نخواسته‌اند و نخواهند داشت.»

دکتر آخوندزاده نماینده روشنفکران تبریز در نطق خود گفت: «روشنفکران تبریز به خوبی می‌دانند که علاج دردهای ما در تشکیل انجمن‌هایی ایالتی و ولایتی است لذا ما اقدام جدی در تشکیل آن را خواستاریم.»

در جلسه دوم کنگره پیشه‌وری طی نطقی ضمن ارائه شرحی از اوضاع و احوال آذربایجان در دوره رضا شاه و ظلم‌هایی که در حق مردم آذربایجان شده بود گفت: «... ما اول در آذربایجان حکومت ملی به وجود خواهیم آورد. ما خود مختاری آذربایجان را به دست آورده و مملکت خود را آباد و سعادتمند خواهیم ساخت و سایر ایالات ایران نیز از این کار نیک ما درس خواهند گرفت... این کنگره باید تصمیم بگیرد. باید عده‌ای را انتخاب کرده و به تمام دنیا اعلام کند که ما حق خود را می‌خواهیم. ما از این حکومت ارتجاعی بی‌خبریم. این حکومت مال ما نیست، او خودسرانه و به زور سر کار آمده... باید در آذربایجان و ایران حکومتی سر کار آید که مردم در انتخاب آن دخیل باشند.»

در سومین جلسه کنگره، علی شبستری و... همچنان به تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی تاکید کردند، اکثریت رای دیگری داشت و هر یک طی نطقی لزوم و ضرورت تشکیل مجلس ملی را متذکر شدند.

هلال ناصری ضمن تأیید صحبت‌های این نمایندگان ادامه داد: «مجلس موسسان اساس مشروطیت ماست، شما به آن‌ها اهمیت بدهید، این کنگره نیز مجلسی نظیر مجلس موسسان است و شما نماینده پنج میلیون نفرید، من پیشنهاد می‌کنم این مجلس موسسان عوض انجمن ایالتی و ولایتی مجلس ملی ما را تشکیل دهد. چشم آذر هم گفت: «۲۹ سال قبل در ایران انجمن ایالتی و ولایتی تشکیل شده است، ما این مجلس را مجلس ملی بنامیم و برای تکمیل مختاریت آذربایجان، نیروهای مسلح ملی آذربایجان تشکیل شود.»

نهایت پیشه‌وری با بیان این‌که «این‌جا مجلس موسسان است و به نظر من باید در تصمیمات آن تکلیف انتخاب مجلس ملی یا انجمن ایالتی روشن شود. قرار بر این شد تا اخذ تصمیم نهایی در این مورد به عهده کمیونی مرکب از پنج نفر گذاشته شود.»

مذاکرات کنگره و رایزنی‌های کمیسیون پنج نفره نهایتاً با تصویب و انتشار بیانیه‌ای خطاب به «حکومت مرکزی ایران و دول منظم دموکراسی جهان» پایان یافت.

در این بیانیه بر خود مختاری آذربایجان البته در چهار چوب دولت ایران به‌عنوان حق ملت آذربایجان تاکید نموده خواستار تشکیل حکومت ملی، برقراری سیستم دموکراسی، تشکیل مجلس ملی، رسمیت یافتن زبان آذربایجانی در ادارات و مدارس آذربایجان گردید.

همچنین اعلام گردید: «کنگره ملی که به امضا و شرکت یک‌صد و پنجاه هزار نفر با نمایندگی هفتصد نفر از نقاط مختلف آذربایجان تشکیل یافته طبق اراده ملت آذربایجان خود را مجلس موسسان نامیده برای اداره امور داخلی آذربایجان هایتی عبارت از سی و نه نفر انتخاب و با مقامات صلاحیت‌دار داخل مذاکره شوند و ضمناً انتخابات مجلس ملی آذربایجان و مجلس شورای ملی را عملی سازند.»

این تصمیمات در حالی از سوی کنگره اتخاذ گردید که حزب دموکرات به سرعت در حال گسترش نفوذ خود در آذربایجان بود، فدائیان این حزب به‌عنوان بازوی نظامی این تشکل سیاسی با حمله به پادگان‌های نظامی کنترل شهرهای آذربایجان را یکی پس از دیگری به‌دست می‌گرفتند.

به این ترتیب، ۱۰ روز پس از پایان جنگ جهانی دوم (اردیبهشت ۱۳۲۴) دولت ایران طی یادداشتی پیروزی متفقین را به سه کشور آمریکا، شوروی و انگلیس تبریک گفت و یادآوری کرد که پس از پایان جنگ در اروپا، دیگر لزومی به

باقی ماندن نیروهای متفقین در ایران نیست و بهتر است نیروهای متفقین هرچه زودتر خاک ایران را ترک کنند. هرچند این یادداشت بی‌پاسخ ماند اما در کنفرانس پوتسدام در تیرماه، ۱۳۲۴ استالین، ترومن و چرچیل در اعلامیه نهایی موافقت کردند که قوای متفقین بلافاصله تهران را تخلیه کنند و در کنفرانس وزرای خارجه سه کشور آمریکا، شوروی و انگلیس براساس یک پیمان سه‌جانبه قرار شد تا ۱۲ اسفند ۱۳۲۴ نیروهای متفقین خاک ایران را ترک کنند.

در ۱۳۲۴/۰۷/۲۹ پیشه‌وری در اعتراض به اقدام اکثریت نمایندگان مجلس مبنی بر تأخیر انتخابات تا خروج نیروهای بیگانه اعلام کرد مشروطیت تعطیل بردار نیست و فرمان انتخابات را خود مردم صادر خواهند کرد.

با پیشرفت فعالیت حزبه دموکرات در شهرها و دهات، فجایع ژاندارم‌ها و اربابان نیز شدیدتر شد و شکایات فرقه به نفع دهقانان نیز عملاً بی‌نتیجه ماند.

در اسناد مختلف تاریخی آمده است که مذاکرات زیادی بین حکومت مرکزی و فرقه دموکرات آذربایجان در جریان بود اما به دلیل این که به نتیجه نرسید طبق برنامه، در ۱۲ شهریور ۱۳۲۴ فرقه دموکرات آذربایجان به رهبری جعفر پیشه‌وری در تبریز تأسیس یافت. در ۲۱ آذر ماه همان سال «مجلس ملی» آذربایجان تشکیل شد. در چنین روندی و با دخالت مردم و در فضایی دموکراتیک دولت محلی آذربایجان به رهبری پیشه‌وری فعالیت‌های خود را آغاز کرد.

استاندار حکومت مرکزی برکنار شد و پادگان‌های ارتش و ژاندارمری توسط «فدائیان فرقه» خلع سلاح شدند.

در آخر بهمن ماه ۱۳۲۴، احمد قوام نخست‌وزیر وقت حکومت ایران برای مذاکره با استالین به مسکو رفت. استالین پذیرفت که با به دست آوردن استخراج نفت شمال ایران نیروهای را از این خارج کند. مسکو قبول کرد که قوای نظامی خود را تا ماه مه همان سال یعنی خرداد ۱۳۲۵ از ایران خارج کند. به این ترتیب اولین توطئه علیه دولت محلی آذربایجان توسط نخست‌وزیر ایران و رئیس جمهوری شوروی طراحی شد.

از همان ابتدای سفر قوام به مسکو نگرانی و دلهره‌ای رهبران فرقه دموکرات خطر را حس کردند.

چند هفته با اعمال و افزایش فشار بر مسکو برای تخلیه نیروهایش و ادامه مذاکرات تهران گذشت. سرانجام مسکو و تهران توافق‌نامه‌ای در تهران امضاء کردند.

در این میان پیشه‌وری مرتباً نگرانی و هشدارهای خود را به گوش مقامات سرکنسول شوروی در تبریز و باقروف در باکو می‌رساند. پیشه‌وری در عین حال در پیام‌های خود به باقروف پیوسته مطرح می‌کرد که «تمام ایران آماده انقلاب است» و آن‌ها (فرقه دموکرات) برای مقاومت در برابر تهاجم ارتش حکومت مرکزی به اسلحه نیاز دارند. در عین حال نیشه‌وری و سایر مقامات فرقه تا آخرین ماه‌ها و حتی هفته‌ها، از برنامه اصلی مسکو بی‌خبر بودند.

اما برای استالین نگرانی‌های پیشه‌وری و هشدارهای او درباره قوام و خواست‌هایش برای حمایت مسکو از «انقلابی در سرتاسر ایران» مهم نبود و تنها به فکر منافع دولت خود بود.

سرانجام در هشتم خرداد ماه ۱۳۲۵ تمام نیروهای شوروی از ایران خارج شدند.

تنها یک روز قبل از خروج کامل قوای شوروی از ایران استالین در تاریخ هشتم ماه مه ۱۹۴۶ (۱۳۲۵) نامه‌ای به پیشه‌وری می‌نویسد و خروج کامل قوای شوروی از ایران را به وی اطلاع می‌دهد.

در این نامه، استالین علل خروج نیروهای شوروی از ایران را به پیشه‌وری توضیح می‌دهد. اما تا آن زمان به دلیل تبلیغات حکومت مرکزی باور عمومی بر آن بود که فرقه دموکرات زیر سایه ارتش اشغالگر شوروی بر سر کار آمده بود و با خروج آن‌ها از ایران قدرت ایستادگی را از دست داده و متلاشی خواهد شد.

متن این نامه که جزو اسناد «فوق‌العاده محرمانه» حزب کمونیست بود پس از فروپاشی اتحاد شوروی در دسترس عموم قرار گرفت. متن نسخه‌برداری شده این نامه که اصلش به روسی است ابتدا در مجله دانشگاهی «انسیتیوی تاریخ

معاصر» آکادمی علوم فدراسیون روسیه درج گردید. در عین حال همین نسخه متن اصلی(نه فتوکپی اصل آن) در اختیار مرکز «مطالعات جنگ سرد» موسسه «وودرو ویلسون» و اشنگتن قرار گرفت. همین متن از سوی ولادیسلاو م. زوبوک به انگلیسی ترجمه شد.

این متن با کسب اجازه از همین مرکز از سوی عباس جوادی به فارسی ترجمه شد که در سال ۲۰۱۱ در تارنمای «چشم‌انداز» منتشر شد.

درست در آخرین روزهای حکومت فرقه، پیشه‌وری و چند تن از رهبران دیگر فرقه دمکرات نامه‌ای به «رهبری شوروی» می‌نویسند. این نامه که تاریخش ۱۷ آذر ۱۳۲۵ یعنی درست چهار روز پیش از ۲۱ آذر همان سال است، پیش از سقوط دولت پیشه‌وری به کراسنیک سرکنسول اتحاد شوروی در تبریز تحویل شده است تا به اطلاع استالین رسانده شود. نامه که از سوی پیشه‌وری، پادگان، شبستری، سلام‌الله جاوید و غلام یحیی دانشیان امضاء شده در واقع انتقادی جدی و فوری از رهبری شوروی است. رهبری شوروی از دولت محلی آذربایجان خواسته بود محدود شدن اختیارات خود در مقابل دولت مرکزی ایران را قبول کند و مقاومتی از خود نشان ندهد.

این نامه به صراحت نشان می‌دهد که حکومت مرکزی ایران و شوروی بر سر متلاشی کردن دولت محلی آذربایجان به‌طور محرمانه توافق کرده بودند.

از لحن نامه معلوم می‌شود که شوروی‌ها نمی‌توانند به رهبران فرقه دستور دهند که از ایران خارج شوند اما رهبری فرقه خطری قریب‌الوقوع را حس کرده بود.

در پی خروج نیروهای شوروی در خرداد ماه ۱۳۲۵ از ایران، پیشه‌وری بلافاصله طبق قرارداد تهران و مسکو و تحت فشار ماموران باکو، با حکومت تهران توافق‌نامه‌ای را امضاء کرد که طبق آن حکومت فرقه به یک «انجمن ایالتی» و «مجلس ملی» آذربایجان به یک «انجمن محلی» تغییر یافت که وابسته به دولت مرکزی محسوب می‌شدند. نیروهای فدائی هم می‌بایست به تدریج منحل و یا جذب نیروهای انتظامی حکومت مرکزی شوند.

با این همه، احتمالاً چهار روز پیش از ۲۱ آذر یعنی در تاریخ تالیف نامه پیشه‌وری، رهبران فرقه از آنچه که بزودی در انتظار آنها بود خبری نداشتند چرا که اگر خبری می‌داشتند بعید بود سه چهار روز قبل از خروج برنامه ریزی شده آنان از ایران، از مسکو تقاضای اسلحه و یا اجازه برای اعلان استقلال کنند.

حکومت فرقه دمکرات آذربایجان که در ۲۱ آذر ۱۳۲۴ رسماً تاسیس یافته بود، برنامه‌ریزی کرده بود تا سالگرد تاسیس دولت خود را جشن بگیرد. اما یک روز مانده به ۲۱ آذر ۱۳۲۵ نمایندگان باقروف به پیشه‌وری و دیگر رهبران رده بالای فرقه گفته بودند که راهی باکو شوند.

اما پیشه‌وری به رفقای نزدیک خود گفته بود که نمی‌خواست تبریز را ترک کند اما چاره دیگری برای آن‌ها باقی نمانده بود.

روز بیستم آذر روزنامه «آذربایجان» ارگان فرقه دمکرات آخرین شماره خود را در تبریز منتشر کرد که در آن پیشه‌وری از همه «برادران ایرانی» می‌خواست که «مقاومت کنند و برای آزادی و دمکراسی بجنگند.» مطلب اصلی روزنامه، آخرین اعلامیه فرقه از تبریز بود که با شعارهایی همچون «زنده‌باد آزادی و استقلال ایران!» چاپ و منتشر شده بود.

ارتش حکومت مرکزی ایران به پیشروی خود به سوی آذربایجان که از یکی دو ماه قبل از آن آغاز کرده بود ادامه داد. اما به غیر از موارد اندکی، ارتش مرکزی با مقاومت چندان‌ی مواجه نشد. اما ارتش به کشتارهای زیادی و بی‌سابقه‌ای دست زد. این ارتش به هر جا رسید ویران و غارت کرد و کشتار و تجاوز در پیش گرفت.

مطبوعات فرقه دمکرات که اکنون در باکو به چاپ می‌رسید در باره «تلفات بیش از ده هزار نفری» خبر دادند. به این ترتیب، فرقه دمکرات پایان خونینی داشت و تراژدی انسانی بسیار بالا بود.

نهایتاً نام پیشه‌وری هم در لیست پاکسازی بی‌رحمانه استالین قرار گرفت. خبر بسیار کبود: جعفر پیشه‌وری در یازدهم ژوئن ۱۹۴۷ در یک تصادف اتوموبیل در آذربایجان شوروی به قتل رسید. شایان ذکر است که دستگاه اطلاعاتی مخوف شوروی از تصادف‌های رانندگی به‌خصوص برای قتل مخالفین خود استفاده می‌کرده است.

پیشه‌وری که در اوایل دهه ۱۳۰۰ سابقه انتشار روزنامه (حقیقت) را داشت و بعد از سقوط رضاشاه و از اوایل خرداد سال ۱۳۲۲ روزنامه آژیر را در تهران منتشر کرد. پیشه‌وری در جریان انتخابات دوره چهاردهم مجلس شورای ملی از حوزه انتخابیه تبریز کاندیدا شد و با آرای مردم راهی مجلس شد. اما مجلس چهاردهم که در ۶ اسفند ۱۳۲۲ افتتاح شده بود اعتبار نمایندگی پیشه‌وری را رد کرد.

سیدجعفر جوادزاده که در سال ۱۳۰۸ نام خانوادگی‌اش را به‌پیشه‌وری تغییر داد، در سال ۱۳۲۲ ش در روستای زاویه سادات در شهرستان خلخال متولد شد و در سال ۱۳۸۴ همراه خانواده به‌باکو رفت. در همان مقطع بود که به‌تدریج با اندیشه‌های چپ و کمونیستی آشنا شد و نهایتاً به‌عضویت حزب عدالت درآمد.

پیشه‌وری به‌هنگام ورود حزب عدالت به‌گیلان و تشکیل جمهوری شورایی گیلان در زمره رهبران و اعضای برجسته آن محسوب می‌شد. در جریان نخستین کنگره این حزب در انزلی هم پیشه‌وری در جمع هیأت ریسه‌کنگره حضور داشت.

در سال ۱۹۱۸م شماری از رهبران و اعضای برجسته حزب عدالت (که حزبی کمونیستی بود) که تباری ایرانی داشتند و تا قبل از آن در خاک شوروی کار و زندگی می‌کردند وارد گیلان شدند تا در تحولات و رخداد‌های سیاسی و اجتماعی منطقه ایفای نقش کنند. جعفر پیشه‌وری که بعدها و در اواسط دهه ۱۳۲۰ ش در راس فرقه دمکرات در استان آذربایجان ایران قرار گرفت از جمله مهم‌ترین رهبران حزب عدالت محسوب می‌شد. در آن دوره هنوز جنبش موسوم به‌جنگل تحت رهبری میرزا کوچک‌خان در گیلان فعال بود و رهبران حزب کمونیستی عدالت توانستند در جنبش مذکور شرکت کرده و در گیلان جمهوری شورایی تشکیل دادند. در همین دوره بود که رهبران حزب عدالت در تیرماه سال ۱۲۹۹ در بندر انزلی کنگره‌ای تشکیل دادند و نام آن را به «حزب کمونیست ایران» تغییر دادند؛ و اگرچه با ایستادگی دولت مرکزی طرح گسترش عملیات حزب کمونیست ایران با شکست مواجه شد و سرانجام در آذر سال ۱۳۰۰ استان گیلان تحت کنترل دولت مرکزی ایران قرار گرفت، اما اندیشه‌ها و گرایش‌های سیاسی چپ و کمونیستی همچنان در جامعه ایران گسترش یافت.

حکومت شوروی در آغاز از رضاخان و سلطنت او حمایت نمود و بسیاری از معاهده‌ها که دروان تزار به ایران تحمیل شده لغو گردید. رضا شاه سیاست‌های خشونت‌باری داشت به ویژه رفتار بسیار خصمانه‌ای با کمونیست‌ها داشت اما با این وجود تا حوالی سال‌های ۱۳۰۸-۱۳۰۷ حزب کمونیست از جمله به رهبری حیدر عموآوغلو تا حدودی فعالیت‌های خود را به سراسر ایران گسترش داد. اما مدت کوتاهی بعد رضاخان این حزب را منحل اعلام کرد و در سال ۱۳۱۰ هم مجلس شورای ملی قانونی تصویب کرد که به‌موجب آن کلیه فعالیت‌های اشتراکی (کمونیستی) در ایران را ممنوع می‌کرد. به‌موجب همین قانون هم بود که گروه مخفی موسوم به ۵۳ نفر در سال ۱۳۱۶ دستگیر، محاکمه و زندانی شدند و تا خلع رضاشاه از سلطنت در زندان باقی ماندند.

پیشه‌وری نیز در سال ۱۳۰۸ در تهران دستگیر و به‌مدت سال زندان محکوم شد و تا سال ۱۳۱۹ در زندان بود. سال پایانی سلطنت رضاشاه هم در تبعید کاشان به‌سر می‌برد.

در آن میان قاضی محمد به‌عدها محکوم شد و این حکم در مورد او اجرا گردید.



جعفر پیشه‌وری رئیس دولت خودگردان آذربایجان در میان جمعی از هواداران در یک جشن در آثار و مواضع پیشه‌وری هیچ موضوعی تحت عنوان «جدایی آذربایجان از ایران» وجود ندارد. وی در فعالیت‌های سیاسی خود، نه تنها نگاهی به جدایی آذربایجان وجود ندارد بلکه وی حتی در زمان حضورش در قفقاز در روزنامه «آذربایجان جزء لاینفک ایران» و مقالات پرشور و ایران‌دوستانه‌اش اندیشه‌های انتروناسیونالیستی او را به نمایش می‌گذارد. وی پیکارگری بود که رهایی تمام شهروندان فلات ایران را می‌خواست.

نخستین تقاضای پیشه‌وری از حکومت مرکزی در آغاز عبارت بودند از: «آزادی داخلی و مختاریت مدنی» برای مردم آذربایجان با حفظ استقلال و تمامیت ایران و نیز تشکیل انجمن‌های ایالت و ولایتی، تدریس زبان آذربایجانی، افزایش کرسی‌های نمایندگان در مجلس ایران.

پیشه‌وری در همه این روزگار تاکید داشت که «تمام خواسته‌های ما، خارج از این نقشه (نقشه ایران) نیست و در داخل سرحدات ایران است» (ابراهیم ناصحی، غائله آذربایجان در رهگذر تاریخ، تبریز، نشر ستوده، ۱۳۸۵، ص ۷۴)

روابط قاضی محمد و پیشه‌وری، به عنوان دو نیرویی که قدرت منطقه‌ای را برقرار کرده بودند کمتر مورد توجه پژوهش‌گران و حتی رسانه‌ها قرار گرفته است. پیشه‌وری و قاضی محمد، در ایالت آذربایجان دو حوزه متفاوت را کنترل می‌کردند و دولت‌هایی در قلمروهای خود تاسیس کرده بودند.

از نظر قاضی محمد حوزه‌هایی مانند ارومیه، شاپور (سلماس)، خوی و میاندوآب، مناطق ترکیبی بود که باید از سوی نیروهای مشترک متجاسر اداره می‌شد. اما حزب دموکرات نسبت به این تقاضا نگاه دیگری داشت. با وجود اختلاف نظر بر اساس توافقی که طرفین در آوریل ۱۳۲۴ امضا کرده بودند، در شهرهای آذربایجان که دارای جمعیت قابل توجهی از کردها بود، نیمی از ادارات و نیروهای نظامی باید به کردها تعلق می‌گرفت.

البته کمشکشی‌هایی نیز وجود داشت و حل این موضوع چندان هم ساده نبود. در ۹ اوت- ۱۸ مرداد، پیشه‌وری پس از وصول گزارشی مبنی بر استقرار واحدهای نظامی کرد در خروجی شهر شاپور و رضائیه، برای مذاکره با قاضی محمد به رضائیه رفت. بر اساس توافقی که حاصل شد کردها پذیرفتند نیروهای خود را از معابر برجیند ولی در عین حال از مقررات دل‌خواه خود در گردآوری غله تبعیت کنند.



کنترل مشترک ادارات و نهادهای سیاسی مناطق مرکب کرد و ترک

۲۱ آذر ماه ۱۳۲۵ روز کشتار مردم آذربایجان روز «نجایت آذربایجان» گذاشته‌اند. روزی بود که یکان‌های ارتش شاهنشاهی به فرماندهی محمدرضا شاه پهلوی به زنجان و تبریز و رضاییه و... یورش بردند و هر آنچه که بر سر رامشان بود نابود و غارت و تجاوز کردند. در واقع اگر ۲۱ آذر ۱۳۲۵ برای حاکمان وقت و پان فاریسیم‌ها روز «جشن ملی» اعلام شده و از سال ۱۳۲۵ همه ساله در آن روز جشن گرفته شد. در حالی که این روز برای اکثریت مردم آذربایجان روز سیاه و هولناک و روز قتل‌عام و تجاوز محسوب می‌شود.

در تهاجم وحشیانه ۲۱ آذر ماه ۱۳۲۵ خود محمدرضا شاه فرماندهی نیروهای آدمکش فرستاده شده به آذربایجان را برعهده گرفته بودند. آن‌ها دست به قتل‌عام مردم آزاده‌ای زدند که در تاریخ ایران چندان سابقه ندارد.

احمد قوام روز اول آذر ۱۳۲۵، دستور حرکت ستون‌های نظامی به زنجان را صادر کرد. همه چیز برای گسیل نیرو به آذربایجان، آماده شده بود. روس‌ها نیز، بر سر فرقه دموکرات به رهبری پیشموری و کومله کردستان به رهبری قاضی محمد را با وعده شرکت مختلط نفت ایران و شوروی، معامله کرده بودند.

با آشکار شدن خبر اعزام نیرو به آذربایجان، روز پنجشنبه هفتم آذر ماه ۱۳۲۵-۲۸ نوامبر ۱۹۴۶، سادچیکف سفیر شوروی به دیدار قوام رفت. او از طرف دولت شوروی به عنوان نصیحت دوستانه به قوام اظهار داشت که اعزام قوا از تهران، چه در داخله آذربایجان و چه در سرحدات مجاور با روسیه... ممکن است تولید اشکالات نماید. اما احمد قوام، این سیاست اتحاد شوروی را در ایران را نادیده گرفت. چرا که او می‌دانست شوروی نفعی ندارد که از فرقه دموکرات آذربایجان حمایت کند.

روز ۱۹ آذر، به موجب امریه نخست‌وزیر، نیروهای انتظامی به طرف آذربایجان حرکت کردند. از ناحیه زنجان، سه ستون با ساز و برگ کامل و مرکب از صنوف مختلف با آرایش جنگی به طرف قانلان کوه، حرکت کرد... در همان روز، نخست‌وزیر نسبت به تجمع قوای فرقه دموکرات در قانلان کوه، به دکتر سلام‌الله جاوید استان‌دار آذربایجان، هشدار داد.

یک روز پس از صدور فرمان حرکت نیروهای ارتش به سوی آذربایجان، قلی‌اوف معاون کنسول شوروی در تبریز، نامه استالین رهبر شوروی را به آگاهی پیشموری، پادگان و جاوید رساند. در این نامه، استالین با روشنی به آنان گوش‌زد کرده بود:

«قوام در مقام نخست‌وزیر، از حق فرستادن نیرو به هر نقطه ایران و از آن جمله آذربایجان، برخوردار است. از این‌رو، مقاومت مسلحانه، نه صلاح است، نه ضروری و مفید.

اعلام کنید که شما برای تامین آرامش انتخابات، مخالفت ورود نیروهای دولتی به آذربایجان نیستید. شما این اقدام را با همبستگی خلق‌های ایران، آزادی و استقلال آن ارتباط دهید.

تمام این‌ها را، در پاسخ جاوید به آخرین تلگرام قوام بگنجانید و با امضای جاوید، استان‌دار و شبستری صدر انجمن ایالتی، هرچه زودتر برای شاه و قوام بفرستید.

پیشموری، پیش از آن که تلگراف استالین به وی ابلاغ شود، در سرمقاله روزنامه آذربایجان که روز بیستم آذر ماه، منتشر شد نوشت: «او لم‌کوار، دو نمک یو‌خ‌دور.» (مرگ هست، بازگشت نیست!)

اساساً از ابتدای حکومت قاجاریه شهر تبریز و منطقه آذربایجان جایگاه ویژه‌ای دارد. به نوعی این منطقه دروازه ورودی ایران به یک دنیای جدید اروپاست. بسیاری از رزمندگان انقلاب مشروطه و آزادی‌خواهان نظیر ستارخان و باقرخان از این منطقه هستند. شکل‌گیری این شخصیت‌ها و این افراد تاثیرگذار در تاریخ ایران، در تبریز و منطقه آذربایجان به وجود آمد.

وقتی که در ایران حکومت صفویه شکل می‌گیرد؛ در بخشی از مرزهای ایران، امپراطوری عثمانی حضور دارد که داعیه‌دار خلافت اسلامی است. در قسمت دیگر هم در شمال سرحدات ایران و شمال قفقاز، منطقه‌ای که آران نامیده می‌شد؛ شامل ۱۷ شهر قفقازی ایران بود که امپراطوری تزاری روسیه در صدد توسعه مناطق تحت نفوذ خود بود. در واقع می‌بینیم که همان اوایل قرن هیجدهم میلادی تهاجم بیگانه به آذربایجان از سمت روسیه تزاری شروع می‌شود. دو رشته جنگ سهمگین داریم که به دو قرارداد تحمیلی (عهدنامه گلستان و ترکمنچای) منجر می‌شود.

در مورد امپراطوری عثمانی هم باید گفت که آن‌ها موارد متعددی به سرحدات ایران و شهرهای آذربایجان لشکرکشی‌های خونینی کرده‌اند. حتی بارها شهرهای بزرگی مانند تبریز را اشغال کردند. حتی قبل از شاه عباس اول یا شاه عباس کبیر، می‌بینیم تبریز نزدیک دو دهه در اختیار و سیطره عثمانی‌ها قرار می‌گیرد.

آذربایجان و تبریز در پایان دوره حکومت رضاخان یعنی در سال ۱۳۲۰، در منطقه تحولاتی اتفاق می‌افتد که یکی از آن‌ها تشکیل جمهوری ترکیه توسط مصطفی کمال پاشا است. از طرف دیگر در متصرفات روسیه تزاری؛ اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی شکل می‌گیرد. دستاورد مشروطه توسط رضا خان نبود شدند و برای ایران آشوب، ناامنی، قتل، غارت، گرسنگی، بیماری و مداخلات خارجی بود.

فرقه دمکرات آذربایجان را باید به سه بخش سیاسی و اجتماعی تقسیم کرد: دسته اول اشخاصی مثل نیشهری و غلام یحیی دانشیان میرزا ابراهیم اوف و... شخصیت‌های اصلی فرقه دمکرات بودند که تحت تاثیر گرایش آزادی‌خواهی و برابری‌طلبی چپ و کمونیستی بودند. این افراد تجربه سازمان‌دهی سیاسی و اجتماعی داشتند.

دسته دوم روشنفکران انقلابی و فعالین سیاسی و اجتماعی بودند که در میان مردم آذربایجان از محبوبیت ویژه‌ای برخوردار بودند.

دسته سوم اعضای حزب دمکرات فدائیان آن بودند که از روستائیان محروم و تحت ستم ارباب‌ها یا کارگران شهری و یا اقشار محروم شهری تشکیل می‌شد.

این‌ها آگاهی چندانی از مارکسیسم و کمونیسم نداشتند بلکه به دلایل مشکلات اقتصادی، وضعیت معیشتی، ظلم و ستم نظام ارباب رعیتی به این فرقه پیوسته بودند. نکته مهم در این میان این است که ستون فقرات فرقه دمکرات همین فدائیان زحمت‌کش بودند.

اکثریت مردم آذربایجان هم با حزب دمکرات همراه بودند. بنابراین فرقه دموکرات آذربایجان یک جنبش مردمی بود و به همین دلیل نیز عروج و افول آن را باید در تحولات سیاسی و اجتماعی جامعه ایران جست‌وجو کرد.

اهداف فرقه دموکرات آذربایجان:

- ۱- فرقه دموکرات آذربایجان با دفاع از استقلال و تمامیت ارضی ایران و با در نظر گرفتن خصوصیات ملی و محلی آذربایجان جهت تسریع رشد و توسعه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آن خواستار برگزاری فوری انتخابات انجمن‌های ایالتی و شهری می‌باشد.
- ۲- یکی از اصلی‌ترین وظایف فرقه دموکرات آذربایجان، کسب خودمختاری فرهنگی، اقتصادی، بازرگانی، زبانی در چهارچوب ایران و کسب حقوق گسترده جهت تنظیم زندگی خود مطابق میل و خواست خود برای آذربایجان می‌باشد.
- ۳- فرقه دموکرات آذربایجان تامین آزادی‌های فردی را یکی از پایه‌های مقدس حقوق بشر و شهروندی شمرده و در این راه مبارزه می‌کند.

- ۴- حکومت مستبدین که کشور را به فلاکت سوق داده و سبب تنزل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آن شده و مردم را در ظلمت و جهالت نگهداشته است باید به طور کامل محو شده و نباید اجازه داده شود که بار دیگر دیکتاتوری برقرار شود.
- ۵- باید به مردم آزادی بیان، آزادی اندیشه، آزادی مطبوعات، آزادی تجمع و تشکیلات داده شود. مستبدین و مرتجعین تبلیغ کننده تفکرات فاشیستی را باید از این امکانات محروم نمود.
- ۶- باید دولت دموکراتیک حقیقی و مردمی که مسائل و مشکلات کشور را درک نموده و خواستار و قادر به حل آن‌ها باشد، از طریق همه پرسی عمومی ایجاد شود.
- ۷- بدون استثناء باید به تمامی مردان و زنانی که به سن بیست سالگی رسیده‌اند حق انتخاب کردن، و از سن ۲۷ تا ۸۰ سالگی علاوه بر آن حق انتخاب شدن نیز داده شود. در انتخابات باید از اقداماتی نظیر تهدید و تطمیع جدا جلوگیری شود. باید به مردم امکان داد تا به صورت مستقیم و مخفی از حق قانونی خود یعنی رای دادن استفاده نماید. تنها از این راه می توان خادمین وطن و ملت را که نمایندگان حقیقی مردم می‌باشند، انتخاب نمود.
- تبصره: انتخابات باید در سراسر کشور بدون تاخیر و در زمان معین و کوتاه انجام شود.
- ۸- حفظ دوستی با همه ملل متفق و دموکراتیک، خصوصاً دوستی با همسایه شمالی مان یعنی اتحاد جماهیر شوروی پایه سیاست خارجی ما را تشکیل می‌دهد.
- ۹- دستگاه دولتی باید از طرفداران استبداد و دیکتاتوری و افراد دارای افکار فاشیستی زدوده شود. به هیچ وجه نباید به اعمال غیر قانونی مامورین دولتی نظیر ژاندارم‌ها و شهربانی اجازه داده شود. همچنین اختلاس و رشوه خواری باید بطور کامل از بین برود.
- مسائل اقتصادی و تجاری
- فرقه دموکرات آذربایجان به منظور ترقی و توسعه کشور و حفاظت از آزادی مردم در مقابل تعرض ارتجاع خارجی و داخلی، تغییر بنیادین در اقتصاد کشور و اجرای تدابیر اقتصادی زیر را لازم و ضروری می‌داند؛
- ۱۰- اصول اقتصادی پوسیده که دوره اش به اتمام رسیده‌است باید با شرایط اقتصادی و اجتماعی معاصر عوض شود. ملتمان باید صنایع سنگین ملی خود را ایجاد کرده آنرا بصورت معاصر در آورد. چنان تدابیری باید اتخاذ گردد که کشورمان در مدت کوتاه قادر به تامین احتیاج خود به محصولات صنعتی از طریق کارخانجات خود باشد و کشور از فقر و فلاکتی که به آن دچار شده‌است رهایی یافته و در رده کشورهای متمدنی و رشد یافته قرار گیرد.
- ۱۱- در نتیجه سیاست‌هایی که در دوره استبداد به اجرا گذاشته شده‌است ثروت‌های آذربایجان تاراج شده و هیچ کارگاه، کارخانه و مرکز صنعتی مهم دیگری تاسیس نشده است. با در نظر گرفتن این مسئله فرقه دموکرات آذربایجان جهت ایجاد صنایع ملی و ایجاد کارگاه، مدرسه و بیمارستان در آذربایجان به‌طور جدی خواستار فراهم شدن امکانات برای این امور می‌باشد و باور دارد که از طریق انجمن‌های ایالتی و ولایتی می‌توان دست به چنین اقدامات زد. بخش اعظم درآمد آذربایجان از طریق تدابیر فوق باید صرف آبادی آذربایجان شود.
- ۱۲- به هر طریق ممکن باید جهت گسترش بازرگانی و بهبود زندگی مادی مردم، با بیکاری مبارزه شده و در این خصوص تدابیر جدی اتخاذ گردد. باید به امور اقتصادی و تجاری چنان سامانی داده شود که به‌طور اعم تجار و به‌طور اخص کسبه خرده پا و متوسط و اصناف با مشکلات اقتصادی مواجه نشوند و در سراسر کشور حیات اقتصادی جان تازه‌ای گرفته و شرایط زندگی مادی مردم بهبود یابد.
- ۱۳- جهت پیش‌گیری از افت ارزش پول کشور تدابیر لازمه و ضروری باید اتخاذ گردد.

- ۱۴- باید با مشارکت طبقه زحمتکش و کم درآمد شرکتهای تولیدی و تعاونی و کارخانجات کوچک ایجاد شده و به کارگاههای تولیدی کمک نموده و برای رهایی آنها از ورشکستگی همت گماشت.
- ۱۵- جهت تسریع رشد و توسعه صنایع و بهبود وضعیت کارگران مواد ذیل باید به صورت قانون در آید؛
- (الف) در سراسر کشور باید مدت کار روزانه ۸ ساعت تعیین گردد و متناسب با اضافه کار انجام شده مزد اضافی پرداخت شود.
- (ب) باید برای کارگران، متخصصان و خادمین، قانون بیمه اجتماعی وضع و به مرحله اجرا گذاشته شود.
- (پ) در مورد اتحادیهها و تمامی سازمانهای کارگری قوانین خصوصی باید وضع گردد.
- (ت) باید کار کردن کودکانی که به سن چهارده سالگی نرسیدهاند، ممنوع شده و مدت کار روزانه نوجوانانی که بین چهارده تا هجده سال سن دارند، بیشتر از شش ساعت نباشد.
- (ث) باید برای جلوگیری از آواره شدن احتمالی کودکان یتیم و محتاج (به خاطر اجرای این قوانین)، به حساب دولت یتیم خانه ایجاد شده و جهت ادامه تحصیل کودکان فقرا باید به آنها تغذیه و لباس رایگان داده شود.
- (ج) باید برای نوجوانان ۱۴ تا ۱۸ ساله هنرستانهای فنی ویژه ایجاد شده و در آنجا دانش آموزان با چهار ساعت کار در روز، فنون مختلف را یاد گرفته و چهار ساعت نیز درس بخوانند.
- (چ) در مدت کوتاهی باید قانون کار وضع شود.
- (ح) باید با در نظر گرفتن حقوق، به تمامی کارگران و خادمین یک روز در هفته روز استراحت، تعطیلی در روزهای ملی و دینی و یک ماه مرخصی در سال داده شود.
- (خ) از ۶ هفته مانده به وضع حمل زنان آبستن مشغول بکار تا ۶ هفته پس از آن باید به آنها مرخصی با حقوق داده شود.
- ۱۶- باید با در نظر گرفتن منافع مردم، اصول پرداخت مالیات دوباره بررسی شده و مقدار مالیاتها به نسبت وضعیت اقتصادی و درآمد شهروندان تعیین گردد و مالیاتهای غیر مستقیم تا حد ممکن کاهش یابد.
- ۱۷- باید جهت به مرحله اجرا در آوردن تدابیر اقتصادی مذکور، بانک ملی آذربایجان با سرمایه کافی ایجاد شود.
- کشاورزی
- فرقه دموکرات آذربایجان دلیل فقر روستائیان آذربایجان را در اصول فئودالی می داند که تا به امروز حاکم بر روستاها می باشد. به همین علت فرقه اجرای اقدامات ذیل را ضروری می داند؛
- ۱۸- باید به منظور مشخص و تنظیم نمودن روابط بین روستائیان و ملاکان، در حداقل زمان ممکن قانون ویژه ای وضع گردد. باید زمینهای دولتی فوراً بین روستائیان به طور رایگان تقسیم شود. و نیز باید املاک ملاکانی که طرفدار احیاء دوباره استبداد بوده و آذربایجان را ترک نموده اند مصادره و در اختیار روستائیان گذاشته شود.
- ۱۹- جهت احیاء کشاورزی و افزایش کشت و برای دادن وامهای طویل المدت و با بهره کم به روستائیان باید فعالیت بانک کشاورزی تغییر و گسترش یابد به طوری که قادر به تامین این احتیاج باشد.
- ۲۰- بدعت گذاری و مالیاتهای بی رحمانه ای که از طرف ملاکان تحمیل شده است باید از میان برداشته شود و چنان شرايطی ایجاد گردد که روستائی با در آمد حاصل از محصول خود بتواند خانواده خود را تامین و یک زندگی لایق انسانی را بنا نهد.
- ۲۱- باید جهت تنظیم امور کشاورزی و بهبود وضعیت روستائیان زحمتکش، در روستاها انجمنهای روستایی ایجاد شده و انجمنهای مزبور باید توسط خود روستائیان اداره شود.

- ۲۲- کدخداها باید از میان روستائیان انتخاب شوند.
- ۲۳- جهت بنانهادن کشاورزی بر پایه اصول و روشهای مدرن علمی و صنعتی، دولت باید با قرار دادن تراکتور و سایر دستگاههای کشاورزی در اختیار روستائیان به آنان کمک نماید.
- ۲۴- نباید اجازه داده شود که ژاندارمها و مامورین دولتی با سوءاستفاده از مقام خود، دار و ندار روستائیان را از دستشان در آورند.
- ۲۵- جهت نجات روستائیان آذربایجانی از خطر خشکسالی و کمآبی باید به حساب دولت چاههای آب ایجاد شده و چاههای آرتزین حفر شده و امکان بهره برداری از آب برکهها و تالابها داده شود تا بدین ترتیب محصولات کشاورزی افزایش یافته و وضعیت روستائیان بهبود یابد.

آموزش و پرورش عمومی

- فرقه دموکرات آذربایجان جهت مبارزه با بی سوادى و جهالت در راستای آموزش و پرورش عموم اجرای موارد ذیل را ضروری می داند؛
- ۲۶- اجرای سریع قانون آموزش رایگان و اجباری تصویب شده از طرف مجلس شورای ملی.
- ۲۷- زبان مادری وسیله‌ای پر قدرتی برای رشد فرهنگ ملی می‌باشد. به همین خاطر فرزندانمان باید بدون معطلی خواه در مدارس دولتی و خواه در مدارس خصوصی بزبان مادریمان آموزش ببینند، و در این راستا لازم است که بدون تاخیر کتب درسی و سایر امکانات تحصیلی مهیا گردد. فرقه دموکرات آذربایجان، حق باز نمودن مدارس برای سایر اقلیتهای قومی نظیر کردها و غیره بزبان مادریشان را محترم می شمارد.
- ۲۸- جهت تامین رشد و تکامل آموزش و پرورش عمومی آذربایجان باید در تبریز دانشگاه ملی تاسیس گردد.
- ۲۹- برای باسواد نمودن بزرگسالان باید در شهرها و روستاها به‌طور جداگانه مدارس و اماکن فنی- حرفه‌ای گشایش یابد. همچنین جهت ایجاد سهولت مادی و شرایط تحصیلی باید تدابیر ویژه‌ای اتخاذ شود.
- ۳۰- باید کلیه کتب و برنامه‌های درسی از مدارس ابتدائی گرفته تا آموزشگاه‌های عالی، از نو مورد بررسی قرار گیرد و از کلمات و جملاتی که ظلم و استبداد را تبلیغ و ترویج می‌دهند به‌طور کامل تمیز شده و جهت تربیت نسل جدید مطابق با اصول دموکراسی و روحیه آزادیخواهانه باید کتب و برنامه‌های درسی جدید آماده گردد.
- ۳۱- باید به تعداد مراکز آموزشی و علمی در شهرها و روستاها افزوده شده و کتابخانه‌ها و سالن‌های مطالعاتی ایجاد شود. همچنین برای عموم مردم باید بصورت منتظم کنفرانس‌های مختلفی برگزار گردد. برای رفع نقصان و کاستی‌های مردم با استفاده از علم و فرهنگ، باید آن‌ها را در این راه به مبارزه دعوت و تشویق نموده و تریاکخانه‌ها و خانه‌های فساد و قمارخانه‌های که نابود کننده نسل جوان می‌باشد، از بین برود. هدف از انجام این امور آگاه نمودن مردم و ارتقاء اخلاق و معنویات آن‌ها و آماده نمودن آن برای مبارزه جدی جهت نگرهداری و حفظ استقلال و آزادی میهن می‌باشد.
- بهداشت عمومی
- بهداشت و سلامتی مردم یکی از شروط مهم برای بقاء آن‌ها می‌باشد. به همین خاطر فرقه دموکرات آذربایجان سلامتی و بهداشت مردم را یکی از مسائل جدی می‌داند که باید به فکر آن بود. در این راستا اجرا تدابیر ذیل الزامی است؛
- ۳۲- تنها درمان و معالجه بیماران کافی نمی‌باشد، برای جلوگیری از مبتلا شدن به بیماری‌ها باید تدابیر جدی اتخاذ شود.

۳۳- باید جهت جلوگیری از آلودگی، چرکابه‌ها و ریخت و پاش در کوچه و بازار و اماکن مسکونی، تدابیر مقتضی اتخاذ گردد.

۳۴- باید بر علیه تب و لرز (مالاریا) مبارزه جدی صورت گیرد و علل چنین بیماری‌های مهلکی باید از میان برداشته شود. باید در این راستا باتلاق‌ها خشکانده شده و به تعداد درختان افزوده شود.

۳۵- برای از بین بردن بیماری‌هایی نظیر کچلی، ورم و سایر امراض، دولت باید تدابیر جدی اتخاذ و در این جهت کمک‌های مادی و معنوی ارائه نماید.

۳۶- جهت دادن اطلاعات بهداشتی ضروری و لازم برای زندگی روزمره مردم باید کنفرانس‌های مختلفی برگزار و از طریق رادیو این امور به آن‌ها تفهیم شده و با این هدف کتابچه‌های ویژه‌ای منتشر شود.

۳۷- در شهرها و روستاها به منظور تعلیم و تربیت نسل آینده باید مراکز ویژه خردسالان و نوجوانان گشایش یافته و به حساب دولت مراکز تربیتی ایجاد گردد.

ادبیات، هنرهای زیبا و مطبوعات

۳۸- جهت رشد و توسعه ادبیات و هنرهای زیبا که به‌منزله غذای معنوی و روحی مردم می‌باشد باید کلیه شرایط لازم فراهم شود. در این راستا باید در تبریز کانون نویسندگان و هنرمندان آذربایجان ایجاد و این کانون باید در سایر شهرهای آذربایجان شعبات خود را دایر نماید.

حزب دموکرات آذربایجان تا آخرین روز حمله سپاه کشتار و غارت و تجاوز شاهنشاهی به آذربایجان، همواره و پیگیرانه به پراتیک کردن همه این اهدافی که در برنامه خود گنجانده بود همت گماشت.

در جمع‌بندی می‌توانیم تاکید کنیم که بخش قابل‌توجهی از ایران را جمعیت آذری زبان تشکیل می‌دهند. آنان در استان‌های آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، اردبیل و زنجان ساکن هستند. علاوه بر آن میلیون‌ها آذری زبان در سایر نقاط ایران در کنار سایر شهروندان به ویژه تهران زندگی می‌کنند.

آذربایجان یکی از مهم‌ترین مراکز کشاورزی و صنعتی ایران است. آذربایجان در بسیاری از محصولات کشاورزی مقام اول را در ایران دارد. شهر تبریز در تاریخ معاصر نقش موثری در جنبش مشروطه ایفا کرد. در تاریخ ایران، تبریز از مهم‌ترین مراکز اقتصادی و تجاری ایران بوده است. وجه تمایز آذری‌ها از سایر ایرانیان، زبان است و در سایر موارد، از یک میراث فرهنگی مشترک و داشتن تعلق خاطر به ایران به عنوان فلات‌ایران برخوردار هستند. آذربایجان در تاریخ معاصر در حیات سیاسی و فرهنگی ایران نقش موثری داشته و در مقاطع حساس و تعیین‌کننده تاریخ جایگاه خود را نشان داده است.

آذربایجان مهم‌ترین مرکز اقتصادی و تجاری ایران و پایگاه مهم نظامی ایران در جنگ با امپراتوری‌های عثمانی و روسیه تزاری محسوب می‌شد. نقش آذری‌های ایران تنها به امور کشاورزی و صنعتی محدود نمی‌شود. سهم آذری‌ها در گسترش و ارتقای فرهنگ ایرانی و به‌ویژه ادبیات فارسی بسیار چشمگیر است. بسیاری از آثار ادبی کلاسیک و مدرن فارسی در زمینه شعر متعلق به ایرانیان آذری زبان است.

آذربایجان یکی از خاستگاه‌های مهم شعرای ایران نظیر نظامی گنجوی، خاقانی شروانی، قطران تبریزی و صائب تبریزی است. صائب، در واقع به عنوان بنیان‌گذار سبک هندی (اصفهانی) در شعر فارسی شناخته می‌شود. ایرج میرزای تبریزی از چهره‌های درخشان شعر فارسی، نه تنها در عصر مشروطه بلکه در قرن بیستم است.

محمدحسین شهریار در مقام اول غزل به ایرانیان آذری زبان و غیر آذری یادآوری می‌کرد که فراموش نکنند، آذربایجان نه تنها بخش جدایی‌ناپذیر ایران، بلکه همواره قلب آن بوده آذربایجان بوده است. آذربایجانی‌ها هرگز خود را یک ملت متمایز از سایر شهروندان ایران نمی‌دانند، بلکه هویت خود را تعلق داشتن به جغرافیایی ایران تعریف می‌دانند.

به صراحت می‌توان گفت آذربایجان در جریان مشروطیت سنگر آزادی بود و همچنین در انقلاب ۱۳۵۷ مردم ایران. آذربایجان در سقوط محمدعلی شاه و استبداد صغیر نقش اول را داشت.

شخصیت‌های بزرگی چون ستارخان و شیخ محمد خیابانی و پیشه‌وری و حیدر عمواغلو و... در مبارزات خود نه تنها در راه رهایی خلق آذربایجان بلکه سراسر ایران فداکاری‌های بزرگی از خود نشان داده و توجه جامعه ایران و منطقه و جهان را به خود جلب کرده‌اند.

دیکتاتوری و استبداد رضاخان با ترویج ایده و اهداف فاشیستی هیتلر در جامعه‌مان، ظلم و اسارت را در آن هرچه تشدید کرد. امکان تشکیل سازمان و نهاد و حزب و همچنین خواندن و نوشتن و نشر کتاب و روزنامه و ایجاد آثار هنری و تأثیر به زبان مادری و استفاد از زبان مادری در آموزش و پرورش و ادارات و ارگان‌های قضایی محلی را برای آذربایجانیان و سایر اقلیت‌های ملی ساکن ایران را ممنوع و از آن‌ها سلب نموده و در نتیجه این اقدامات بین خلق‌های ایران نفاق بزرگی به‌وجود آورد. با وجود این‌که از فروپاشی این نماد استبداد چند دهه می‌گذرد اما باز این سیاست آزادی‌کش و فرهنگ‌کش همچنان ادامه یافته و امروز این سیاست در جمهوری اسلامی مترجع در جریان است.

آرزوی قلبی من این است که روزی همه مرزها از بین بروند و همانند امروز که سرمایه و سرمایه‌داران به راحتی از مرزها می‌گذرند و با استقبال شرکت‌ها و دولت‌های سرمایه‌داری جهان نیز قرار می‌گیرند کارگران و شهروندان عادی هم از چنین آزادی برخوردار باشند.

به علاوه مهم‌تر از همه در جهان امروز امر «دولت – ملت» بالای جان انسان‌ها شده است. دولت‌هایی که در کشورهای دموکراتیک عمدتاً غرب با آرای اقلیتی از شهروندان به قدرت رسیده‌اند و یا دولت‌هایی که با کودتا و سرکوب انقلاب‌ها به قدرت رسیده و دیکتاتوری مطلق خود را بر جامعه تحمیل کرده‌اند.

به این ترتیب اغلب دولت‌های امروز جهان نماینده اقلیتی بیش نیستند و عمدتاً نماینده شرکت‌های چندملیتی و یا دلال آن‌ها هستند.

یک سوال اساسی در این جا این است که آیا جمهوری اسلامی ایران نماینده کدام بخش از جمله است؟ اگر کمی در این مورد کنکاش کنیم می‌بینیم که این حکومت نماینده هیچ‌کدام از خلق‌های ایران نیستند. به عبارت دیگر جمهوری اسلامی نه حکومت فارس‌هاست و نه نماینده ترک‌ها و کردها و عرب‌ها و بلوچ‌ها و لر‌ها و غیره. بنابراین جنگ‌های لفظی که مثلاً پان‌ترکیست و پا فارس‌یست‌ها را می‌اندازند آگاهانه یا ناآگاهانه آب به آسیاب دشمن‌شان یعنی جمهوری اسلامی می‌ریزند.

به علاوه این که کسی که جدایی می‌خواهد نباید جرم تلقی شود. چرا که عملاً اصلی جدایی خواهی نه مردم بلکه رقیقا حاکمیت‌ها و ناسیونالیست‌ها هستند. حکومتی که هیچ گونه حق انسانی را به رسمیت نمی‌شناسد و حتی مردم را از زبان مادریش نیز محروم می‌کند خود عامل اصلی جدایی‌طلبی است.

به نظر من جدایی را مانند جدایی زن و شوهر باید دید. طلاق یک حق است اما کسی آن را تبلیغ و ترویج نمی‌کند بلکه هنگامی که خانواده به بن‌بست می‌رسد به جای آزار و کشتار همدیگر متمدنانه جدا می‌شوند و هر کس دنبال زندگی دل‌خواه خود می‌رود. به همین دلیل اگر جدایی‌طلبی جرم محسوب نشود آن وقت فضای باز سیاسی و اجتماعی و

فرهنگی راه می‌افتد که همگان درباره آن آزادانه موضع می‌گیرند و حرف دل‌شان را می‌زنند بدون این که ترسی از تهدید و زندان و محاکمه و اعدام داشته باشند. در چنین فضایی است که نیش‌داوری‌ها کنار زده می‌شود و واقعیت در مقابل مردم قرار می‌گیرند و چه بسا مانند کشورهای متمدن مانند سوئیس به این نتیجه برسند که کشور سه زبانه اداره شود و بین آن‌ها یک هماهنگی سراسری هم وجود داشته باشد. نمونه سوئیس نشان می‌دهد که اگر زبان‌ها و مدیریت‌های محلی آزاد باشند در آن‌جا صلح و صفا نهادینه می‌گردد و خصومت و دشمنی ملی جایی برای ابراز وجود پیدا نمی‌کند.

با وجود گذشت دهه‌های متمادی از واقعه آذربایجان اهداف حزب دموکرات، هنوز هم در میان هاله‌ای از ابهام قرار دارد و دستیابی به نظری که مورد اجماع پژوهش‌گران و صاحب‌نظران باشد حاصل نشده است، این امر شاید از این واقعیت سرچشمه می‌گیرد که مقامات حکومت مرکزی و ناسیونالیست‌های آذری واقعیت‌ها را بیان نکرده‌اند و هرکدام براساس منافع سیاسی و اجتماعی خود به این واقعه تاریخی مهم پراخته‌اند.

در هر صورت تجربه حزب دموکرات آذربایجان یک تجربه تاریخی مهمی است که هنوز هم اهداف و مطالبات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی آن، هنوز هم مسایل روز جامعه ما هستند و به همین دلیل ضرورت دارد در تحولات آتی ایران به مثابه یک تجربه تاریخی، مدنظر قرار گیرند.

نهایتاً تحولات بزرگ سیاسی و اجتماعی جهان‌شمولی که در عصر معاصر به وقوع پیوست نشان داد که نمی‌توان مردم را تا ابد در اسارت و بردیگ نگه داشت. به عبارت دیگر، امروز تمام خلق‌های تحت ستم و آزادی‌خواه جهان بیش از پیش در تلاشند زنجیرهای ظلم و جور را برای همیشه پاره کرده و می‌خواهند به هر قیمتی که شده آزادی‌های فردی و جمعی را که بشریت به بهای قربانی‌های بزرگ به‌دست آورده است هرچه بیش‌تر بسط و گسترش دهند. به‌همین دلیل خلق‌هایی که خواستار آزادی و برابری و دموکراسی مستقیم هستند روزبه‌روز مبارزه‌شان با رد مقوله «دولت - ملت» در حال اوج گرفتن است.

امروزه هم تمامی خلق‌های تحت ستم ایران که از لحاظ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تحت ستم هستند از هر فرصتی بهره می‌گیرند تا بر علیه حاکمیت آدمکش به پا خیزند و بر علیه هر گونه ظلم و ستم به مبارزه برخیزند تا زندگی خود را به صورت مستقل و آزاد بنا نهند! چرا که آن‌ها به خوبی تشخیص داده‌اند که یک دشمن مشترک دارند و آن‌هم جمهوری اسلامی و مناسبات تبعیض‌آمیز سرمایه‌داری است.

در چنین روندی آذربایجان یکی از مناطق فلات ایران است که می‌تواند همچون گذشته نه تنها به آینده خود، بلکه به آینده درخشان سراسر جامعه ایران امیدوار بوده و برای ایجاد یک جامعه آزاد و برابر و انسانی تمام تلاش خود را در همبستگی با سایر خلق‌های آزادی‌خواه و برابری‌طلب جامعه ایران به کار گیرد!

یکشنبه ۲۱ آذر [قوس] ۱۴۰۰ برابر با ۱۲ دسمبر ۲۰۲۱